ابوالفضل نسایی/ ایران

برخی از تحلیلگران مدعی این مسأله هستند که با توجه به اوضاع نابسامان اقتصادی در نوار غزه، ملت فلسطین تحمل جنگ طولانی را ندارد.

همه ملت‌ها جنگ را برنمی‌تابند. جنگ سخت و بی‌رحمانه است. شما از قربانیان صحبت می‌کنید، از خانه‌های تخریب شده واز شرایط سخت صحبت می‌کنید، هیچ مردمی جنگ را دوست ندارند و ما به عنوان ملت فلسطین صلح را دوست داریم. اما صلح باید یک صلح باعزت باشد. وقتی شرایط صلح واقعی فراهم نیست، شما به جنگ می‌روید، اما جنگ سرگرمی ما نیست. ما برای دفاع ازخود در برابر تجاوزات صهیونیست‌ها می‌جنگیم. ما برای احقاق حق خود که همان سرزمین مان است می‌جنگیم. ما برای محافظت از فرزندان خود در برابر جنایات اسرائیل می‌جنگیم و مطمئناً جنگ جنبه منفی نیز دارد که بر زندگی اجتماعی تأثیر می‌گذارد و حتی بر اقتصاد تأثیر می‌گذارد. اما این بدان معنا نیست که ما نمی‌جنگیم چون قربانی می‌دهیم یا از جنگ درد و رنج می‌بریم، فلذا بدون شک رنجی که در جنگ و در محاصره کشتار وجود داشته و خواهد داشت، اما ما بهای خواسته خویش را که همان آزادی مان است می‌پردازیم.

مدعیان این تحلیل می‌گویند که نوارغزه بیش از یک هفته تاب‌آوری ندارد، آیا این موضوع درست است؟

درهرجامعه‌ای دیدگاه‌ها و نظرات متعددی وجود دارد و همه مردم در درک و فهم و دیدگاه مشترک نیستند. قطعاً همه ملت فلسطین از جنگ حمایت نمی‌کنند و اقشاری وجود دارند که مثلاً می‌گویند ما از جنگ خسته شده‌ایم. این گفتمان وجود دارد، اما گفتمان غالب نیست. اما اکثریت قریب به اتفاق فلسطینی‌ها برای دفاع از خود به سمت مقاومت رفته‌اند و این وضعیت شبه اجماع درمیان فلسطینی‌ها شده است که معتقدند اگر می‌خواهیم آبرومندانه زندگی کنیم و تحت اشغال نباشیم پس باید مقاومت کنیم. نه از روی عشق و علاقه بلکه بخاطر اجبار باید مقاومت کنیم. زیرا اگر مقاومت نباشد، این بدان معناست که اشغالگر باقی می‌ماند و اسرائیلی‌ها زمین‌ها و تمام دارایی‌های ما را مصادره می‌کنند. بنابراین ما به سمت جنگ نمی‌رویم چون جنگ را دوست نداریم؛ ما به جنگ می‌رویم زیرا می‌خواهیم ازخود در برابر جنایات صهیونیست‌ها دفاع کرده و از فرزندان، خانه و خانواده خود محافظت کنیم. ملت فلسطین تحت اشغال است وبرای مقابله با اشغالگری مقاومت ومبارزه می‌کند.

آیا برنامه‌ای جهت مقاومت اقتصادی برای کاهش آلام مردم دارید؟

پیچیدگی در محیط جغرافیایی فلسطین یک واقعیت است و اگرازغزه صحبت می‌کنیم، منطقه جغرافیایی غزه یک منطقه محدود است و صحبت از ۳۶۰ کیلومتر مربع است که ۲/۵ میلیون فلسطینی در آن زندگی می‌کنند و ممکن است برحسب مطالعات گفته شود که شلوغ‌ترین نقطه جهان، نوارغزه است که منطقه محدودی است و به همین دلیل زمین‌های زیرکشت درآن بسیار محدود است.

همچنین منابع اقتصادی آن بسیار محدود است، یعنی در نهایت جامعه غزه بیش از آنکه مولد باشد، مصرف کننده است. بنابراین تئوری‌های اقتصادی نمی‌تواند حداقل به جامعه فلسطین درغزه کمکی کند؛ اولاً شرایط سخت است و نبود اراضی کشاورزی کافی برای تأمین نیاز اهالی غزه، در نتیجه اشغال و امتناع اشغالگران از تأمین مواد اولیه و حتی ماشین آلات هیچ بخش صنعتی وجود ندارد. اسرائیلی‌ها غزه را ازهر طرف از جمله خشکی ودریا و بازار تجاری محاصره می‌کنند. فلذا مجال بهبود وضعیت اقتصادی در نوار غزه بسیار ضعیف است. همیشه مشقات اقتصادی بوده و هست. مقاومت می‌تواند در برخی موارد ساده کمک کند، اما نمی‌تواند مردم فلسطین را از مشکلات اقتصادی به شرایط بهتری برساند واین امر مشکل است.

پس از توافق تهران-ریاض، روند عادی‌سازی روابط با رژیم را چگونه ارزیابی می‌کنید، آیا بعد از توافق ایران و عربستان متوقف شد؟

بدون شک توافق تهران-ریاض تأثیرات مثبتی برمنطقه گذاشت بویژه کسانی را که از ایجاد فضاسازی اختلافات فرقه‌ای ومذهبی از جمله موضوع شیعه و سنی سود می‌بردند از دورخارج کرد چون تندروها ازاین جو سوءاستفاده می‌کردند. همچنین رسانه‌های اسرائیلی ازاین فضا سود می‌بردند و سعی می‌کردند بگویند که اختلاف ایران و عربستان یک اختلاف فرقه‌ای و مذهبی است و درتمام مطبوعات و رسانه‌های غربی از این موضوع به‌عنوان یک دعوای فرقه‌ای و مذهبی نبود. این در واقع اختلاف منافع و اختلاف متأثر از تأثیرات خارجی بود و رسانه های صهیونیستی ونفوذ سیاسی اسرائیل و امریکا تأثیر زیادی برآن داشت. زمانی که توافق بین تهران و ریاض حاصل شد، فضای مثبتی برای همه کسانی که تحت تأثیر این سردی روابط قرار داشتند ایجاد شد. بنابراین منطقه به یک تنفس و آسایش روانی رسید و این راحتی، افق‌های روشنی را برای کشورهای منطقه که تحت تأثیر عربستان بودند بازکرد و گام‌های مثبتی در جهت احیای روابط عادی ایران و کشورهای حاشیه خلیج فارس برداشته شد. من معتقدم که این توافق در آینده تأثیر زیادی بر بیشتر کشورهای عربی خواهد داشت.

> آنچه در درون دشمن صهیونیستی از نظر منازعات و اختلافات داخلی پیش آمده بدون شک آینده رژیم صهیونیستی را تهدید کرده و اگر این اختلافات در جامعه داخلی دشمن باشد وبه آن قدرت امروز مقاومت را اضافه کنیم به مقاومت انگیزه و نیرو و امیدواری می‌دهد. آنچه می‌خواهم برآن تأکید کنم این که آنچه می‌بینیم یک درگیری و یک تهدید واقعی درونی است و انتظار می‌رود این امر بر ساختار جامعه اسرائیل از نظر قوانین مدنی و نظامی و از نظر شکاف در جامعه اسرائیل چه به لحاظ سطح زندگی و چه به لحاظ امنیتی و نظامی تأثیر بگذارد

وضعیت رژیم صهیونیستی را پس از موج گسترده تظاهرات با توجه به اینکه اختلافات داخلی زیادی در درون رژم رخ داده است، چگونه ارزیابی می‌کنید؟

آنچه در درون دشمن صهیونیستی از نظر منازعات و اختلافات داخلی پیش آمده بدون شک آینده رژیم صهیونیستی را تهدید کرده و اگر این اختلافات در جامعه داخلی دشمن باشد وبه آن قدرت امروز مقاومت را اضافه کنیم به مقاومت انگیزه و نیرو و امیدواری می‌دهد. آنچه می‌خواهم برآن تأکید کنم این که آنچه می‌بینیم یک درگیری و یک تهدید واقعی درونی است و انتظار می‌رود این امر بر ساختار جامعه اسرائیل از نظر قوانین مدنی و نظامی و از نظر شکاف در جامعه اسرائیل چه به لحاظ سطح زندگی و چه به لحاظ امنیتی و نظامی تأثیر بگذارد. بنابراین تئوری‌های اقتصادی نمی‌تواند حداقل به جامعه فلسطین درغزه کمکی کند؛ اولاً شرایط سخت است و نبود اراضی کشاورزی کافی برای تأمین نیاز اهالی غزه، در نتیجه اشغال و امتناع اشغالگران از تأمین مواد اولیه و حتی ماشین آلات هیچ بخش صنعتی وجود ندارد. اسرائیلی‌ها غزه را ازهر طرف از جمله خشکی ودریا و بازار تجاری محاصره می‌کنند. فلذا مجال بهبود وضعیت اقتصادی در نوار غزه بسیار ضعیف است. همیشه مشقات اقتصادی بوده و هست. مقاومت می‌تواند در برخی موارد ساده کمک کند، اما نمی‌تواند مردم فلسطین را از مشکلات اقتصادی به شرایط بهتری برساند واین امر مشکل است.

یکی از تحولات درعرصه فلسطین، شلیک چندین موشک از جنوب لبنان به سمت دشمن صهیونیست درماه‌های اخیر بوده است، آیا این معادله جدیدی در مقاومت است؟

اولاً لبنان با اسرائیل صلح برقرار نمی‌کند، ثانیاً در لبنان اراضی لبنانی هست که همچنان تحت اشغال صهیونیست‌ها است، ثالثاً نیروی مقاومتی در لبنان وجود دارد که با هدف بازپس‌گیری اراضی اشغالی لبنان، موقعیت خود را تقویت می کند.

مقاومت در لبنان موضع و دیدگاهی دارد که فلسطین سرزمین ملت فلسطین است و پروژه صهیونیستی با ظلم در سرزمین فلسطین ایجاد شده است و این مقاومت در لبنان با مردم فلسطین همبستگی دارد. پس مقاومتی که با مواضع خود با ملت فلسطین متحد است و مقاومتی که اشغال اراضی لبنان را دلیل باقی ماندن مقاومت می‌داند، دشمن صهیونیستی را در همه موارد یک تهدید دائمی برای لبنان می‌بیند. بنابراین، مقاومت لبنان دراین نبرد نقش اساسی دارد و برای همین نباید تعجب کنیم که موشک از لبنان حداقل به عنوان ابراز همبستگی با مردم فلسطین و همبستگی با جنبش مردم فلسطین در دفاع از مسجد الاقصی پرتاب می‌شود. این یک پیام اخلاقی به مردم فلسطین می‌دهد و آن اینکه مقاومت در لبنان در کنار مردم فلسطین برای مقاومت در برابر اشغالگران ایستاده است. بنابراین، موشک‌های لبنان، حتی اگر اندک ومحدود نیز باشد، معنا و اهمیت زیادی پیدا می کند و این افق روشن را پدیدار می‌کند که اگر اسرائیلی‌ها تلاش در جهت کشتار مردم فلسطین داشته باشند، امکان مداخله مقاومت در لبنان به نفع ملت فلسطین نیز فراهم است. پیام موشکی، بسیار مهم بود و به مقاومت فلسطین روحیه داد و به دشمن صهیونیستی این پیام را داد که مقاومت در لبنان فلسطینی‌ها را تنها نخواهد گذاشت.

اخیراً شاهد عملیاتی بودیم که سربازی مصری در مرز مصر انجام داد. ناظران معتقدند که این به خاطر روحیه مبارزه سربازان مصری و عرب و مسلمان است، بروز و ظهور این روحیه را در زیر خاکستر عادی‌سازی رژیم‌های منطقه با دشمن صهیونیستی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

واقعیت این است که همه ملت‌های عرب مخالف اسرائیل هستند. در واقع هیچ عرب و مسلمانی وجود اسرائیل را به جای فلسطین نمی‌پذیرند. زیرا مسجد الاقصی و بیت المقدس میراث دینی و اسلامی مردم منطقه است.

هیچ مسلمان واقعی وجود ندارد یا کسی که حتی حس میهن پرستی داشته باشد نیست که بتواند وجود اسرائیل را به جای فلسطین بپذیرد و این موضوع به یک مسأله غریزی دربین همه مردم منطقه اعم ازعرب، مسلمان و گاه خارجی‌ها تبدیل شده است. پس مقاومت طبیعی در برابر این اشغالگری وجود دارد.آنچه در مرز مصر اتفاق افتاد طبیعی است و بیانگر احساسات شهروندانی است که معتقدند اسرائیل دشمن همه مردم است. بنابراین یک مقاومت طبیعی در برابر این اشغالگری وجود دارد و آنچه در مرز مصر اتفاق افتاد یک امر طبیعی است و بیانگر احساسات درونی یک شهروند است که اعتقاد دارد اسرائیل دشمن همه مردم است. عرب‌ها و مسلمانان، در رفتار و مسلک اسرائیل اشغالگری و جنایتکاری می‌بینند بویژه اینکه در کرانه باختری خانه‌های فلسطینی‌ها را تخریب می‌کند و زمین‌ها را مصادره کرده و مردم را می‌کشد. بنابراین، واکنش طبیعی هر شهروند عرب و مسلمان است که اگر بتواند از فلسطینی‌ها دفاع کند، نباید درآن تردید و تأخیر کند. فلذا آنچه در مرز مصر اتفاق افتاد، برای هرآدمی در کشورهای عربی امری طبیعی و قابل انتظار است.

اکنون وضعیت پیمان اسلو و وضعیت تشکیلات خودگردان بویژه پس از پیروزی‌های میدانی مقاومت را چگونه می‌بینید؟ و اکنون رابطه مقاومت با تشکیلات خودگردان چگونه است؟

توافق اسلو مرده است. من تنها کسی نیستم که این را می‌گویم، حتی مقامی که آن را امضا کرده نیز می‌گوید این توافق مرده است؛ زیرا یک طرف اصلی توافق وجود دارد که آن را به رسمیت نمی‌شناسد و بدان مقید نیست به همین دلیل است که توافق اسلو پشت سر ماست و اکنون تمام تلاش اسرائیل این است تا امر واقع جدیدی را برای کنترل اراضی فلسطینی و تراکم شهرک‌سازی در کرانه باختری ایجاد کند. حداقل فلسطینی‌ها امیدوار بودند که طبق توافق اسلو دولت فلسطینی در کرانه باختری و نوار غزه ایجاد شود. اکنون شهرک‌های یهودی در کرانه باختری بالغ بر ۶۰ درصد از کرانه باختری را در اختیار گرفته و این ۴۰ درصد کل زمین‌هایی است که شهروندان فلسطینی در مناطقی از کرانه باختری سکونت دارند. فلذا توافق اسلو پایان یافته است و پروژه اسرائیل براساس نظریه شهرک‌سازی و این نظریه که یا فلسطینی‌ها به عنوان کارگر در خدمت جامعه اسرائیل باید کار کنند یا فرصت زندگی به آنها داده نمی‌شود و آنها می‌بایست بروند، این برنامه فعلی اسرائیل است. بنابراین، وقتی امروز در مورد بیش از ۷۰۰ هزارشهرک نشین در کرانه باختری صحبت می‌کنیم، متوجه می‌شوید که تقریباً تعداد شهرک نشینانی که در بیت المقدس و کرانه باختری هستند طبق آمار رسمی حدود ۸۰۰ هزارشهرک نشین است. این در حالی است که ۳۰۰ هزارشهرک نشین در قدس شریف پس از اشغال کرانه باختری در سال ۱۹۶۷ و ۵۰۰ هزارشهرک نشین در کرانه باختری به وجود آمدند. آنها شهرها، زیرساخت‌ها، جاده‌ها، شرکت‌ها، حمل و نقل و زمین‌های کشاورزی را ایجاد کردند. این اقدام به این معنی است که هیچ رهیافتی برای تفاهم بین فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها وجود ندارد و چشم‌اندازهیچ گونه سازشی وجود ندارد و دلیل آن این است که اسرائیل آن را نمی‌خواهد. برخی از فلسطینی‌ها توافق اسلو را بستند و آن را به رسمیت شناختند وآنچه را که هیچ کس در خواب هم نمی‌دید ارائه کردند. بدبختی ما این است که برخی از فلسطینی‌ها آن را به رسمیت شناختند. اما با وجود آن، اسرائیلی‌ها از یک کشور یهودی در کرانه باختری صحبت می‌کنند، بنابراین هیچ چشم‌اندازی برای صلح وجود ندارد. هرگونه توافق با فلسطینی‌ها مرده است. متأسفانه این یک مورد تحقیرعرب‌ها که دراثر فشارامریکا و در نتیجه وجود رژیم‌های غیرقانونی که در کشورهای عربی وجود داشت بود که موجب شد آنها در برابر اسرائیل تسلیم شوند. بنابراین تقریباً همه دولت‌های عربی اطراف اسرائیل به طور مستقیم یا غیرمستقیم رابطه برقرار می‌کنند و عملاً اسرائیل را به رسمیت می‌شناسند و هرکس آن را به رسمیت بشناسد مانع مقاومت فلسطینی‌ها می‌شود وآنها را تحت پیگرد قرار می‌دهند. فلذا ما در نوار غزه از جانب هم عرب‌ها وهم صهیونیست‌ها در محاصره هستیم. بنابراین پروژه صلح و سازش فقط یک پروژه صهیونیستی و در جهت تأمین منافع اسرائیل است وما با آن کاملاً مخالف هستیم. اما این وظیفه ماست که همه از این شرایط سخت عبور کنیم و در شرایطی که اکنون دراختیار ماست، فضای مقاومت را ایجاد کنیم و ان شاءالله اوضاع بهتر خواهد شد.

آنچه در حال رخ دادن است فضای مقاومت است و دولت‌های عربی از فرصت یافتن راه حلی برای مسأله فلسطین مأیوس شده‌اند. بنابراین من فکر می‌کنم که صحبت در مورد پروژه صلح با اسرائیل در منطقه کم رنگ شده است و آنچه بقایای رژیم‌های عربی به دنبال آن هستند تنها رؤیاهای آنها برای جلب رضایت امریکایی‌ها است، اما عملاً هیچ طرح صلح و سازشی با اسرائیل وجود ندارد.

اگر بخواهید شهید حاج قاسم سلیمانی را توصیف کنید، او را چگونه توصیف می‌کنید؟ با توجه به اینکه شهید حاج قاسم سلیمانی امروز حضور ندارد اما روحش همچنان در میدان محور مقاومت حضور دارد؟

اگر می‌خواهید در مورد جمهوری اسلامی و آنچه که به مردم فلسطین تقدیم کرد صحبت کنیم، اولاً از موضع سیاسی صحبت کنید و این بسیار مهم است که همانا به رسمیت نشناختن اسرائیل است و نه فقط این، بلکه این موضوع نتیجه داد و در سطح بین‌المللی و در سطح فلسطین تلاش شد تا اعلام کند که این موجودیت نامشروع است و این موجودیت صهیونیستی روی حق ویران شده ملت فلسطین تأسیس شده است.

چه کسی بجز جمهوری اسلامی برای حمایت از مردم فلسطین درهر شرایطی این موضع را گرفت؟ جمهوری اسلامی دو موضع دارد؛ یک موضع سیاسی و من معتقدم جمهوری اسلامی با تحمل محاصره و تحریم‌ها بهای موضعگیری سیاسی خود را در برابر ملت فلسطین پرداخته است. دوم مسأله مقاومت است، زیرا جمهوری اسلامی در موضعگیری و سیاست و چشم‌انداز خود برنامه‌ای برای حمایت از مردم فلسطین دارد. خوشبختانه شهید حاج قاسم سلیمانی در تبلور این مفاهیم و تجسم جایگاه جمهوری اسلامی در موضوع حمایت از مردم فلسطین در تمام سطوح حاضر، برجسته و پرشور بود. در سطح مقاومت می‌گویم شهید حاج قاسم سلیمانی درعرصه میدانی فلسطین حضور داشت و جمهوری اسلامی کمک‌های خوبی به مردم فلسطین ارائه کرد. اما من می‌خواهم اشاره کنم که شاید کسانی هستند که فکر می‌کنند که مردم فلسطین هرماه صدها میلیون کمک دریافت می‌کنند، ممکن است کسی این‌گونه فکر کند. من می‌گویم با کمترین امکانات ممکن و با اقتصاد خوداتکایی، مقاومت و فضای مقاومتی در فلسطین ایجاد شد، البته بدون شک ما اذعان داریم که جمهوری اسلامی کمک‌هایی در حوزه انتقال تجربه وآموزش و اقتصاد به مقاومت فلسطین کرده است. اما آیا دنیا می‌تواند بفهمد که فلسطینی‌ها چقدر از جمهوری اسلامی کمک می‌گیرند؟ بله، ما این کمک‌ها را انکار نمی‌کنیم، اما هیچ‌کس نباید درباره این کمک‌های مالی اغراق کند. کمک‌های امنیتی-نظامی وجود دارد و این مهم ترین کمک است. کمک‌هایی در چهارچوب کمک‌های بشردوستانه برای خانواده‌های شهدا و خانواده‌های اسرا وجود دارد. این را می‌گویم تا مردم خیالشان راحت شود. چون ممکن است فکر کنند مردم فلسطین تمام پول جمهوری اسلامی را گرفته‌اند. کمک به خانواده شهدا و اسرا انساندوستانه است و کمک‌های دیگر به لحاظ کار کارشناسی نظامی و در مراحل مختلف تأمین برخی سلاح‌ها و دراین چهارچوب است و رساندن این کمک‌ها به نوار غزه و کرانه باختری بسیار پرهزینه بوده است.

اما مهتر ازهمه اینها، ایده و حضور و پیگیری مستمر شهید حاج قاسم است چرا که حاج قاسم همیشه حضور داشت و شخصاً پیگیرهمه چیز بود. حتی در موضوع آموزش رزمندگان و مسأله امدادرسانی و ایشان نگران می‌شد، پیگیری می‌کرد و می‌پرسید.

و ما همیشه می‌گفتیم که حاج قاسم سلیمانی فلسطینی‌تر از فلسطینی‌ها است و بیت المقدس را بیشتر از اهالی شهر بیت المقدس دوست دارد و از این رو او شهید قدس بود و همه رهبران فلسطین او را می‌شناختند و حضور چشمگیری در تمام پرونده‌های مرتبط با فلسطین داشت.

آیا این رابطه برهمان منوال با حاج اسماعیل قاآنی ادامه دارد؟

مسلماً با حاج اسماعیل نیز همینطور است. ما درباره جمهوری اسلامی صحبت می‌کنیم. درجمهوری اسلامی ایران کسانی هستند مانند حاج قاسم و حاج اسماعیل که برنامه آن را نمایندگی می‌کنند. اینها کسانی هستند که نماینده جمهوری اسلامی هستند. اما دراصل این مردم مسلمان ایران و همت والای مردم ایران است، که به فکر کمک به فلسطین هستند، ولی مظهر این همت ملت ایران همانا شهید بزرگوار حاج قاسم سلیمانی و حاج اسماعیل قاآنی است.این عزیزان نماینده سیاست جمهوری اسلامی ایران هستند واین موضع ایران وهمه ملت ایران و رهبر معظم انقلاب اسلامی در حمایت از ملت فلسطین هیچ وقت فراموش نمی‌شود.

آیا تا کنون طرف‌هایی یا رژیم‌هایی بوده‌اند که از شما خواسته باشند روابط خود را با ایران قطع کنید؟

بدون شک این را از ما خواستند و هیچ دولت عربی تمایل ندارد با ایران به خاطر مسأله فلسطین رابطه داشته باشیم؛ زیرا برنامه سیاسی آنها با ما متفاوت است. برنامه آنها این‌گونه است که می‌گویند ما نمی‌خواهیم با اسرائیل در چالش و جدل باشیم حتی اگر فلسطینی‌ها تحت اشغال باشند وآنها به هرطریقی هم که شده نمی‌خواهند مردم فلسطین با ایران رابطه داشته باشند و خواهان عدم رابطه جنبش‌های مقاومت فلسطینی با ایران هستند. اما نگفتند اگر با ایران قطع رابطه کنید ما به شما کمک می‌کنیم، فقط می‌خواهند که ما با ایران قطع رابطه کنیم.

امروزه شاهد جنگ فرهنگی و روانی از سوی دشمن هستیم و تولیدات تلویزیونی و سینمایی مقاومت وجود دارد، آیا این جنگ برای شما مهم است؟ و به نظر شما چه چالش‌هایی در این جنگ وجود دارد؟

مردم فلسطین، مانند سایر ملت‌های جهان، در معرض کمپین‌های رسانه‌ای، چالش‌ها و متأثر ازآن بوده و هستند و بسیاری از فرزندان ما تحت تأثیر تلویزیون و تبلیغات آن قرار دارند. برخی از آنها مشتاق هستند و تحت تأثیر بوده و ازمهاجرت هیجان زده می‌شوند. بله این‌گونه اقشار نیزهستند. اما اکثریت قریب اتفاق مردم فلسطین آگاهی زیادی از عدالت آرمان خود، موضع خود، دفاع از سرزمین خود را دارند، اما در نهایت این یک جنگ آشکار است که روی نوجوانان وجوانان که مصونیتی ندارند تأثیر می‌گذارد. اما در نهایت خودشان متوجه می‌شوند که بر ضد مردم خود و برخلاف میل آنها و مغایر با فرهنگ خود هستند که البته آنها را نیز می‌توان با کمی تلاش و کار فرهنگی برگرداند. به همین دلیل است که شما جوانانی را می‌بینید که امروزه در موضوع مقاومت شرکت می‌کنند وآنها جوان‌های ۲۰ ساله و کمتر از ۳۰ ساله‌ای هستند که این اقشار می‌توانند در شبکه‌های اجتماعی، تلویزیون و اخبار تأثیر بگذارند و همین ها هستند که اسلحه برمی دارند، مقاومت می‌کنند، می‌جنگند و شهید می‌شوند.

من معتقدم که آگاهی زیادی در میان فلسطینی‌ها نسبت به آرمان خود وجود دارد. زیرا این جوانان هر روز با گسترش شهرک‌های صهیونیستی در اطراف شان روبه‌رو می‌شوند و از اشغالگری رنج می‌برند و هر روز شهرک‌های صهیونیست نشین در اطراف زمین‌های آنها گسترش می‌یابد. آزار و اذیت علیه آنها انجام می‌شود، خانه‌های فلسطینی‌ها را می‌سوزانند، مزارع شان را می‌سوزانند و درختان را از ریشه می‌کنند. بنابراین جنگ روزانه با مردم است و این جنگ روزانه همانا فرهنگ مقاومت را ایجاد می‌کند و به مردم این چشم‌انداز را می‌دهد که نمی‌توان با اشغالگران این گونه همزیستی کرد، ما می‌توانیم صهیونیست‌ها را به چالش بکشیم.

زمانی آمارهای بین‌المللی وجود داشت که می‌گفت مردم فلسطین ضمن اینکه تحصیلکرده‌ترین افراد در سطح جهانی هستند، آگاهی وجود دارد و می‌توانند یاد بگیرند و چاره‌ای جزآموختن و تحصیل در زندگی ندارند، به طوری که در تمام کشورهای حاشیه خلیج فارس، ده‌ها هزار معلم و مهندس بودند که نقش زیادی در آموزش و پروژه‌های عمرانی داشتند اما متأسفانه قشر زیادی از آنها اخراج شدند.

مادامی که افراد تحصیلکرده و آگاه وجود داشته باشند که به حقوق و مطالبات خویش واقف باشند جای هیچگونه نگرانی نیست. این راه ادامه دارد و ما وظیفه داریم به مبارزه با رژیم صهیونیستی و دفاع از حقوق خود در زندگی ادامه دهیم.

برش

مردم فلسطین، مانند سایر ملت‌های جهان، در معرض کمپین‌های رسانه‌ای، چالش‌ها و متأثر ازآن بوده و هستند و بسیاری از فرزندان ما تحت تأثیر تلویزیون و تبلیغات آن قرار دارند. برخی از آنها مشتاق هستند و تحت تأثیر بوده و ازمهاجرت هیجان زده می‌شوند. بله این‌گونه اقشار نیزهستند. اما اکثریت قریب اتفاق مردم فلسطین آگاهی زیادی از عدالت آرمان خود، موضع خود، دفاع از سرزمین خود را دارند، اما در نهایت این یک جنگ آشکار است که روی نوجوانان وجوانان که مصونیتی ندارند تأثیر می‌گذارد. اما در نهایت خودشان متوجه می‌شوند که بر ضد مردم خود و برخلاف میل آنها و مغایر با فرهنگ خود هستند که البته آنها را نیز می‌توان با کمی تلاش و کار فرهنگی برگرداند. به همین دلیل است که شما جوانانی را می‌بینید که امروزه در موضوع مقاومت شرکت می‌کنند وآنها جوان‌های ۲۰ ساله‌ای هستند که این اقشار می‌توانند در شبکه‌های اجتماعی، تلویزیون و اخبار تأثیر بگذارند و همین ها هستند که اسلحه برمی‌دارند، مقاومت می‌کنند، می‌جنگند و شهید می‌شوند.